

بررسی تعامل شرایط اجتماعی - فرهنگی و خودانگاره‌ی مترجم در ترجمه‌های فارسی سرگذشت حاجی بابا اصفهانی

علی علیزاده^۱

فاطمه حیدری^۲

چکیده

در مطالعات ترجمه، به مترجم و نقش آن در طرح و انجام فرایند ترجمه اهمیت زیادی داده نشده است حال آنکه ترجمه یک فعالیت آگاهانه و جهت دار است.^۳ این فعالیت مترجم بگیرد متاثر از جهت گیری ایدئولوژیک است. در واقع ترجمه فعالیتی است که در اینجا نیازهای جامعه اتحام می‌گیرد و مترجم به عنوان بخشی از جامعه‌ی زبانی در مسیر انتقال متن مبدأ به جامعه‌ی مقصد با اصول، قراردادها و باورهای خاصی مواجه می‌شود که بر تصمیمات و راهبردهای او تأثیر می‌گذارند. وقتی سلسله مراتب فرهنگی و اجتماعی تغییر می‌کنند، ساختارها، ایدئولوژیها و ارزش‌های جدید بر جسته می‌شوند و مدلها و قوانین ترجمه نیز تغییر می‌کنند. در این مقاله با بررسی دو ترجمه از رمان "سرگذشت حاجی بابا اصفهانی" اثر "جیمز موریه" که یکی در دوره‌ی قاجار توسط "میرزا حبیب اصفهانی" و دیگری پس از انقلاب اسلامی توسط "مهندی افشار" انجام گرفته است، تاثیر شرایط فرهنگی اجتماعی بر خودانگاره‌ی مترجم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد با این مقصود که نقش مترجم به عنوان یک عامل اجتماعی در فرایند ترجمه بر جسته گردیده و نشان دهیم که چگونه شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه‌ای که مترجم در آن زندگی می‌کند می‌تواند در فرآیند ترجمه و استراتژی‌هایی که وی بر می‌گیرند تاثیر گذار باشد و دو ترجمه متفاوت به دلیل تعلق به دو دوره زمانی متفاوت بوجود آورد.

کلید واژه‌های: شرایط اجتماعی- فرهنگی، مترجم، سرگذشت حاجی بابا اصفهانی، میرزا حبیب اصفهانی،

مهندی افشار

مقدمه

"سرگذشت حاجی بابا اصفهانی" کتابی است که آن را جیمز موریه به قصد انتقاد از ایرانیان و نمودن جهات و آداب و رسوم ایرانی به رشته تحریر کشیده است. این داستان در سال ۱۸۲۴ میلادی در لندن منتشر شده است. رمان شرح احوالات دلاک زاده‌ی ادب آموخته‌ای است از اهالی اصفهان که در جوانی به خدمت یک تاجر ترک درآمده و پس از ماجراهایی طولانی به دربار قاجار راه می‌یابد و گزارشی از فساد اداری این دوره به دست می‌دهد.

^۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه بیرجند aalizadeh@birjand.ac.ir
^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه بیرجند fatimaheidary61@yahoo.com

بهترین چاپ از این اثر کتابی سه جلدی است که حسب الامر موید الاسلام (مدیر روزنامه حبل المتنین کلکته) در چاپخانه حبل المتنین کلکته به تاریخ ربیع الثانی ۱۳۰۴ هجری قمری به طبع رسید. موید الاسلام درباره این کتاب آورده است: حاجی بابا از بهترین رمان‌هایی است که در سال ۱۸۲۳ میلادی به قلم مستر موریه نوشته شده، در این رساله عکس مجموعه اخلاق و آداب و عادات ایرانیان را به نیکوترین اسلوب رسم نموده است.

این کتاب که دربرگیرنده هشتاد گفتار درباره شخصیتی واقعی به نام حاجی بابای اصفهانی است از سوی نویسنده‌گان و راویان ادوار گذشته، اولین رمان چاپ شده در ایران نام گرفته است. اگرچه ویژگی‌های گوناگون کتاب با خصلت‌های رمان مدرن سازگار نیست اما زبان داستانی، نگاه تاریخی، نقد اجتماعی و خصلت روایتگری درون اثر، "سرگذشت حاجی بابا" را به اثری رمان گونه با تکیه بر مشاهدات و واقعیات جامعه ایران بدل کرده است.

موید الاسلام این کتاب را دارای جنبه‌های اخلاقی و پندگونه می‌داند و از آنجا که در تعریف خود از رمان، قائل به اصلاح گری اجتماعی و فرهنگی است، آن را مفید فایده و مایه ترقی جامعه ایران دانسته است. برخی از گفتارهای حاجی بابا به سیاحت‌های او در کشورهای اروپایی و مراوداتش^۳ با اهل فرهنگ‌الختصاص دارد که در کنار سرگذشت او در ایران، تصویری پرجزئیات و خواندنی از حلق و خوی انسان ایرانی به عنوان عهد: قاجار از اینه می‌دهد.

این کتاب را میرزا حبیب اصفهانی به فارسی برگردانده است. ترجمه‌ی وی غالباً از بهترین نمونه‌های ترجمه‌ی فارسی شمرده می‌شود. گرچه کاری که او کرده در واقع ترجمه‌ای بسیار آزاد است؛ به طوری که در بعضی جاها از ترسودن شعر در خلق بعضی صحنه‌ها استفاده شده و بعضی می‌گویند اصولاً سمت و سیو و محتوای داستان را عوض کرده است. نتری که در ترجمه میرزا حبیب به کار رفته، از بهترین نوشته‌های عهد اخیر است. سرتاسر کتاب با اشعار مناسب از خود متترجم و استادان سخن فارسی و آیات و احادیث و امثال و اصطلاحات چنان مسجحون و آواسته است که گویی در اصل به فارسی نوشته شده است مهدی اقتشار مترجم پیشکوت ایران نیز در سال ۱۳۷۶ این کتاب را ترجمه نموده است که جهت قیاس با ترجمه‌ی میرزا حبیب در این مقاله انتخاب شده است. نظر این کتاب به اقتضای زمان ترجمه نش فارسی امروزی است.

هر گروه که در طول یک دوره از زمان با هم تعامل می‌کنند، شکل خاصی از زبان را به کار می‌گیرند. کلمات، عبارتها و طرحهای ذهنی خاص نماد تعامل یک گروه است. انتخابهای زبانی نه تنها فرهنگ و جایگاه ناطقان در ساختار اجتماعی را منعکس می‌سازد، فعالیتهای مهم در تولید و بازتولید فرهنگ و ساختار اجتماعی را نیز باعث می‌شود. (ویگند^۴، ۲۰۰۴) پس می‌توان گفت ترجمه نه تنها فعالیت زبانی است بلکه یک فعالیت فرهنگی – اجتماعی است. همانطور که زبان بخشی از فرهنگ جامعه‌ای است که در آن به کار می‌رود و توسعه می‌یابد، معنی کلماتی که ترجمه می‌شوند نه تنها با همنشینی شان بلکه بیشتر بر اساس محیط‌های فرهنگی- اجتماعی شان تعیین می‌شوند (نایدا^۵، ۱۹۹۳، ص ۶۷). بدین ترتیب ایجاد هر ترجمه تحت تاثیر محیط فرهنگی- اجتماعی قرار می‌گیرد که در آن انجام می‌شود.

در اواخر دهه ۷۰، گیدن توری^۶ مفهوم هنجارها در مطالعات ترجمه را معرفی نمود. هنجارها بر رفتار انسان انواع محدودیتهای فرهنگی- اجتماعی را اعمال می‌کنند، به عبارت دیگر ارزش‌های مشترکی هستند که

³. Wiegand

⁴. Nida

⁵. Gideon Toury

گروه مشخصی از افراد در یک جامعه‌ی خاص بر اساس آنها رفتار می‌نمایند. توری هنجارها را این گونه تعریف می‌کند: معیارهایی که بر طبق آنها نمونه‌های عملی رفتار (مانند ترجمه) در موقعیت‌هایی که برخی از رفتارها را مجاز می‌دانند و گزینش هیچکدام از آنها تصادفی نیست. (توری، ۱۹۹۵، ص ۵۵)

پس از آن، مفهوم هنجارها در مطالعات ترجمه به صورت متفاوت به کار گرفته شد و ارزش آن بسیار مورد بحث قرار گرفت (اسکافنر^۶، ۱۹۹۹، ص ۱). مدل توری برای مطالعات ترجمه توصیفی با تکیه بر بررسی هنجارهای متفاوت به عنوان بخشی از یک رویکرد مقصود محور، ساختارها و برنامه‌های جمعی را بر عاملان فردی مرجح ساخت. این مدل به بررسی هنجارها و جایگیری آنها در یک محیط سیاسی و فرهنگی- اجتماعی وسیعتر می‌پردازد. (پیم، ۲۰۰۸، ۱۰۴). بدین ترتیب طرح توری در یک موقعیت اجتماعی قرار گرفت که بنا به گفته‌ی چسترمن^۷ (۲۰۰۶، ص ۱۲) این موقعیت جامعه‌شناسی ترجمه را به عنوان فرآورده بررسی می‌کند. از اواخر قرن نوزدهم بر اساس موضوع مورد بررسی، جامعه‌شناسی^۸ روان‌شناسی^۹ از یکدیگر جدا شدند. فرد، موضوع مطالعه‌ی روان‌شناسی شد و جامعه‌شناسی هرجیزی که فراتر از فرد بود را مورد بررسی قرار می‌داده‌اند کروه، طبقه و محیط اجتماعی. اما مسئله اینجاست که فرد به عنوان یک سازه‌ی جمعی است و رابطه‌ای میان فرد و جامعه وجود دارد و ساختارهای جمعی چیزی جدا از افراد سازنده‌ی آن نیستند. معنی اینکه همین افراد هستند که این ساختارها را وضع می‌کنند. (داوگلاس^{۱۰}، ۱۹۸۶^{۱۱}) تنها رام حل اجتماعی برای مستثنی کردن فرد، شخصیت بخشی به جمع است که توری دقیقاً همین راه را پیش‌گفته است و شخصیت بخشی به ساختارهای جمعی در مدل او آشکار است (پیم، ۲۰۰۷) او می‌نویسد: "هنجارهای عملی به عنوان مدلی در نظر گرفته می‌شوند که مطابق با آن، ترجمه‌ها پذیدار می‌شوند، خواه این هنجارها، هنجارهای مبدأ باشند (ترجمه‌ی بیننده^{۱۲})، خواه هنجارهای مقصود باشند یا ترکیبی از این دو باشند. می‌توان گفت هر یک از این مدلها با فراهم آوردن دستورالعملهای اجرایی بعنوان یک عامل محدود‌کننده عمل می‌کنند، برخی انتخابهای خاص را آزاد می‌گذارند در حالیکه انتخابهای دیگر را منع می‌سازند. در نتیجه وقتی موقعیت اول اتخاذ می‌شود نمی‌توان گفت ترجمه بطور کامل در زبان مقصد انجام شده است و در واقع ترجمه به فرهنگ مقصود معرفی نمی‌شود بلکه بر آن تحمیل می‌شود. از طرف دیگر در موضع دوم، مترجم نسخه‌ای از اثر را به فرهنگ مقصود معرفی می‌کند." (توری، ۱۹۹۵، ص ۶۱-۶۰).

این گفته‌ی توری گواه بر این است که همیشه تنشی بین سطح جمعی هنجارها و سطح فردی مترجم وجود دارد و بدین معناست که مفهوم سازی هنجارها نیازمند مفهوم سازی مترجمان است، اما توری در بحث خود در مورد هنجارها هیچ اشاره‌ای به مفهوم مترجم نمی‌کند، گویا که هیچ فردی در انجام چنین اعمالی دخیل نیست. توری تنها پیش نیاز مترجم شدن را آگاهی از مجموعه هنجارهایی می‌داند که درست بودن رفتاری را تعیین می‌کند و اینکه مترجم باید در بین همه‌ی عواملی که رفتار را محدود می‌کنند، با تدبیر عمل کند (توری، ۱۹۹۵، ص ۵۳). به عبارت دیگر توری رابطه‌ی بین مترجم و هنجارها را بر حسب رویکردهای سنتی جامعه‌شناسی در

⁶. Schaffner

⁷. Chesterman

⁸. Douglas

⁹. adequate translation

نظر می‌گیرد و معتقد است "افراد در طول اجتماعی شدن خود هنجرها را فرا می‌گیرند." (همان، ص ۵۵). از نظر او نقش نسبی عوامل مختلف با وجود پویایی هنجرهای ترجمه حدس و گمانی بیش نیست (بیم، ۲۰۰۸ ص: ۱۰۵).

پس از آن، سیمونی^{۱۰} سعی نمود مفهوم "عادت واره" را وارد رویکرد توصیفی ترجمه کند. از نظر سلاشفی^{۱۱} (۲۰۰۵، ص ۲) این مفهوم بر مفهوم هنجرها منطبق می‌شود و آن را تقویت می‌نماید. عادت واره به ساختارهای اجتماعی درونی شده‌ی فرد اشاره دارد که به شکل خلق و خو ظاهر می‌شوند. این خلق و خوها اعمال، تصورات، و نگرشاهی ایجاد می‌کنند که باقاعده هستند اما لزوماً ثابت نیستند. بنابراین هر عامل (actor) فرهنگی تحت تاثیر وضعیت اجتماعی و پیشینه‌ی فردی و جمعی، یک هویت اجتماعی پیدا می‌کند به عبارت دیگر نمود (تمثال) مشخصی از دنیا و موضع فرد در دنیا می‌شود. سیمونی (۱۹۹۸، ص ۳۲) معتقد است که "عادت واره" مترجم نتیجه‌ی پیشینه‌ی فرهنگی و اجتماعی درونی شده است.^{۱۲} این عادت واره‌ی جمعی و پویا می‌تواند میزان نقش مترجم را در حفظ پویایی هنجرها توضیح دهد و گواه بر این مطلب است که بین انتخابهای مورد انتظار و متغیرهای غیرمنتظره تنش وجود دارد. حلاصه‌ی کلام اینکه عادت واره و هنجر هر دو باهم در عمل ترجمه دخیل هستند و یکی بدون دیگری وجود ندارد (بیم، ۲۰۰۸، ص ۴).

امروزه ترجمه بیشتر به متابه‌ی تعامل پیچیده‌ای دقت‌گرفته‌ی شود که در یک بافت فرهنگی اجتماعی ارتباطی واقع می‌شود. با توجه به نکاتی که ذکر شد و بر اساس این دیدگاه لازم است مترجم را به عنوان یک موجود اجتماعی برجسته سازیم. ترجمه مشتمل بر شبکه‌ای از واسطه‌های اجتماعی است که ممکن است مشکل از افراد یا گروهها باشند که هر کدام تعصیها و علایق خود را دارند. عمل ترجمه تعامل بین افرادی است که علاقمند به رخداد چنین تعاملاتی هستند. در این انتقال متن از زبان مبدأ به مقصد، رویه‌های مختلفی دخیل هستند که در برگیرنده‌ی گزینشهای، تصمیمات، راهبردها، اهداف و مقاصد می‌باشند. شیوه‌های انتقال در عمل ترجمه ممکن است متفاوت باشند، این شیوه‌ها ممکن است تحلیص، تفسیر، تأویل یا تفسیرهای انتقادی باشند. آنтонی پیم^{۱۳} این شیوه‌های انتقال را "تبديل ارزش" (value transformation) می‌نامد. حال انتخاب بین این شیوه‌ها بر عهده‌ی اولین کسی است که این فرایند را آغاز می‌کند که او یک واسطه در فرهنگ مبدا و به طور معمولتر در فرهنگ مقصد است. انتخاب هر شیوه از انتقال بستگی به موقعیت و قوانین آن عصر دارد (هرمانز، ۱۹۹۶)

حال که تشخیص داده ایم بعد اجتماعی فراورده متفاوت از واقعیت روان شناختی فرایند است می‌توانیم نقش هنجرها در این فرایند را مسلم بدانیم. اما نقش هنجرها چیست؟ ترجمه یک عمل ارتباطی است و ارتباط، خود شکلی از رفتار اجتماعی است و به یک همکاری میان فردی بین دو طرف ارتباط نیاز دارد. مشکلات ارتباطی

^{۱۰}. Simeoni

^{۱۱}. Sela _ Sheffy

^{۱۲}. Antony Pym

"مشکلات همکاری میان فردی" نامیده می شوند که به نوبه‌ی خود جزئی از مشکلات تعامل اجتماعی محسوب می شوند و در واقع هنجرها هستند که ما را در غلبه بر این مشکلات یاری می کنند.

قراردادها (convention) انتظارات مشترکی هستند که افراد در یک موقعیت ارتباطی از همدیگر دارند ولی هنجرها گونه‌ی تجویزی تر و محکم تر قراردادهای اجتماعی هستند، به بیان دیگر هنجرها مانند قراردادها مشتمل بر انتظارات و آگاهی مشترک هستند و در سطح فردی درونی شده اند، این همان چیزی است که به ما امکان می دهد هنجرها را دارای نهاد روانی و اجتماعی بدانیم. از طرف دیگر روابط قدرت در چارچوب هنجرها و قراردادهای حاکم بر جوامع و نظامهای فرهنگی- اجتماعی آنها شکل می گیرد (هرمانز، ۲۰۰۰). هنجرها و قوانین می توانند قوی یا ضعیف باشند و یا ممکن است مثبت یا منفی باشند به عبارت دیگر آنها یا اجبار در عمل ایجاد می کنند یا از عملی ممانعت به عمل می آورند. از آنجایی که هنجرها طبق یک الگو به صورت مکرر ایجاد می شوند (اسکافنر، ۱۹۹۹. ص: ۱۶). وقتی یک موقعیت جدید بوجود می آید این مترجم است که باید تصمیم بگیرد نسبت به کدام هنجرها باید مقیدتر باشد، هر آنچه می تواند بگوید و آنچه نمی تواند بگوید. این اخبارها و منع‌ها به نوبه‌ی خود به واسطه‌ی هنجرهای کنترل می شوند که بر اساس روابط قدرت اتفاق افتاده اند و تنها در چارچوب این پیچیدگی‌هاست که می توان نقش هنجرها را به عنوان فرصلی با محدودیت ارزیابی کرد

وضعیت ترجمه در عصر قاجار

جامعه ایران در دوره قاجاریه علی رغم تمدن و فرهنگ که میان ایرانیان تقریباً یک جامعه قرون وسطایی با تعصبات ملی و مذهبی شدید بر روح و فکر اکثریت قریب به اتفاق این جامعه بود، مردم ساخت پای بند آداب و سنت و رسوم ملی و شعائر مذهبی خود بوده و از هر گونه نفوذ و تاثیر سیوه جدید زیدگی و تمدن غرب بر کنار مانده بودند. عدم آشنایی با اروپاییان فقط به دلیل تقویت مذهب و تظاهر شدید به دینداری و تعصب، آنها را از معاشرت با همسایگان مسلمان خود مثل عثمانی نیز دور نگه داشته و آنها را فقط به خاطر پیروی از طریقه سنت، دشمن خویش می‌پنداشتند. (احمدزاده، ۱۳۹۰)

تغییرات در ترجمه به منظور اعمال عناصر ذهنی و فرهنگ ایرانی از طریق انتخاب معادلهای ایرانی، با دقت زیاد انجام می شد که این گونه ترجمه بر خوانندگان تاثیر زیادی می گذاشتند. محتوای مباحث رمانهایی که ترجمه می شد در تولید و شکل دادن به برخی رسوم و قواعد و هنجرهای جدید، به یک چارچوب کارکرده تبدیل شد زیرا یک چارچوب روایی جذاب و خواندنی در ترویج ارزش‌های اخلاقی نقش زیاد داشت. برخی از ترجمه‌ها از جمله سرگذشت حاجی بابا اصفهانی که موضوع مورد بحث این مقاله است، در اصل بازتاب اخلاق و فرهنگ مردم ایران بود که به طور مستقیم بر ایرانیان تاثیر گذاشت. (احمدزاده، ۱۳۹۰).

در این عصر حذف کردنها و تغییرات پربار در متون ترجمه بسته به مهارت مترجم کم و زیاد می شد و انتقال مفاهیم را از فرهنگ دیگر میسر می نمود. ذکر این نکته لازم به نظر می رسد که محیطی که مترجمان در آن پژوهش می یافتند یک فرهنگ رسمی و بسته و دولتی بوده است. اگر مترجم کم تجربه از اوضاع اروپا شناختی نداشت، برای او یک تجربه‌ی پر مخاطره تلقی می شد. (همان، ۷)

نکته‌ی دیگر اینکه در اغلب ترجمه‌های دوران قاجار "انطباق فرهنگی" انجام گرفته است، همه‌ی آنچه برای مخاطبان ایرانی ناآشنا و غریب جلوه می‌کرد را حذف می‌نمودند و یا آن را عوض می‌کردند و به آن رنگ و بوی ایرانی می‌دادند. آنها حتی اسمی و موقعیت‌های اجتماعی را نیز تغییر می‌دادند. در این عصر مترجم در یک محیط اجتماعی فرهنگی خاص به کار خود می‌پرداخت و خود بخشی از جامعه‌ی زبانی محسوب می‌شد و ترجمه فعالیت هدفمندی بود که بر اساس نیازهای جامعه انجام می‌شد (احمدزاده، ۱۳۹۰، ص: ۹). از این‌حیث می‌توان گفت ترجمه‌یک فعالیت آگاهانه و جهت دار است که در آن مترجم هر تصمیمی که بگیرد و یا هر گزینه‌ای که انتخاب کند متأثر از جهت گیری ایدئولوژیک اوست و این امر مسلم می‌شود که ترجمه کاربرد اصول، قراردادها و باورهای خاصی است که لزوماً در دو فرهنگ و زبان مبدأ و مقصد یکسان نیستند بنابراین مترجم در مسیر انتقال متن مبدأ به مقصد با این مواعظ و محدودیتها مواجه می‌شود که بر تصمیمات او تاثیر می‌گذارند. در زیر به ارائه نمونه‌هایی خواهیم پرداخت که این واقعیت را به وضوح آشکار می‌سازند. (همان، ۱۳)

تحلیل داده‌ها

در مطالعات ترجمه به مترجم و نقش آن در طرح و انجام "فرایند ترجمه اهمیت چندانی داده نشده است و تنها نایدایا (۱۹۶۴)، ص: ۳۲) در چند خطی می‌نویسد: "از آنجایی که مترجم عامل اصلی در ترجمه است، نقش او در رأس اصول و رویه‌های ترجمه قرار می‌گیرد." در ادامه با ذکر نمونه‌هایی از ترجمه "سرگذشت حاجی بابای اصفهانی" توسط دو مترجم که متعلق به دو دوره زمانی کاملاً متفاوت از هم هستند نمان خواهیم داد که چگونه نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی که ناشی از معیارهای فرهنگی حاکم در ذهن مترجم شکل گرفته است می‌تواند در روند ترجمه و نتیجه آن تاثیر گذارد. بدین منظور بخش‌هایی از ترجمه اثر توسط میرزا حبیب اصفهانی در دوره قاجار با ترجمه مهدی افشار در دوره معاصر پس از انقلاب اسلامی با هم مقایسه می‌شود تا تاثیر زمانه‌ای که مترجم در آن زندگی می‌کند بر ترجمه‌ی وی مشخص گردد.

Example 1

I felt a great desire to leap over the wall and touch her.(p. 157)

در کار آن بودم که حجاب از میان مردارم و از دیوار بگذرم.(میرزا حبیب اصفهانی)

از خاطرم گذشت که از دیوار باجهشی بگذرم و او را در آغوش گیرم.(مهدی افشار، ص: ۱۶۹)

در ترجمه‌ی اول مترجم با متول شدن به راهبرد حذف آنچه را که برای مخاطب دوره اش با تعصیش ناخوشایند می‌امده از قلم می‌اندازد در حالیکه مترجم دوم که او نیز به خوبی با شرایط اجتماعی و نوع زندگی مخاطب خود آشنا است نیازی به حذف آن نمی‌بیند.

Example 2

So sacred in the eyes of an Armenian woman, every sense of decency had been disregarded by me...

این جمله را میرزا حبیب بطور کامل حذف نموده است. علت را می‌توان همان تعصب مردم عصر مترجم دانست.

با مشاهده‌ی آن همه‌ی پاکی هر احساس نادرست و کشیفی از وجودم رخت بر بست. (افشار، ص: ۲۸۱)

Example 3

At length the day drew towards its close, my impatience had reached its height, and I only waited for the terminated of the sham or the evening meal to feign a headache and to retire to rest.(p. 158)

به هزار معرکه، روزی به شب وشکیب من به نهایت انجامید. وعده‌ی وصل چون شود نزدیک/آتش عشق تیزتر گردد. گوشم همه بر اذان که به بهانه‌ی سردرد به خوابگاه روم.(میرزا حبیب ، ص ۱۱۴)

سرانجام روز جای خود را به تاریکی شب می‌سپرد و من ناشکیب تو و بی طاقت می‌شدم و فقط منتظر پایان یافتن شام شبانگاهی بودم تا تظاهر به سردرد کنم و به بستر بروم.(مهدی افشار، ص ۱۷۲)

میرزا حبیب با اضافه نمودن غزلی از حافظ به تب و تاب حاجی بابا برای معشووقش اضافه می‌کند تا شاید مخاطب خود را به وجود بیاورد که تا انتهای داستان او را یاری کند. از طرف دیگر برای اینکه احساسات مخاطب خود را برانگیزد و طبق شناختی که در فرایند احتمال‌گذاری شنیدن از مژده این تعادل بیان (نایدا ۱۹۶۴) بر این امر صحه می‌گذارد که پیام ترجمه شده باید نیازهای زبانی و انتظارات فرهنگی مخاطب را بر آورده سازد و هدفش بیانی کاملاً طبیعی باشد. (ماندی ۱۳۰۱).

Example 4

I had in succession watched the distant din of the king's band, the crash of the drums and swell of the trumpets, announcing sunset. I had listened to the various tones of the Muezzins, announcing the evening prayers, as well as to the small drum of the police ordering the people to shut their shops and retire to their home. (p. 161)

اولاً صدای نقاره خانه، ثانیاً صدای اذان، پس از آن صدای طبل اول، پس از آن صدای طبل برچین، بعد از آن صدای طبل بگیر و بیند، بعد از آن آواز حاذق باش و بیدار باش کشیکچیان بازار و پاسبان برج و باروی ارگ.(میرزا حبیب ، ص ۱۱۹)

از دور دسته‌های ترتیب صدای دسته گوزیک کاخ سلطنتی، صدای طبلها و شیپورهای آلان به گوش می‌رسید که غروب را اعلام می‌کرد و جز آواز مؤذن‌های مختلف که از زمان اقامه نماز مغرب خبر می‌داد و طبل داروغه‌ها که فرمان بستن دکانها و بازگشت به خانه را می‌گفتند و سرانجام صدای منقطع برخاسته از برج مراقبت ارک سلطنتی به گوش می‌رسید که فرمان هشدارباش و بیدار باش می‌داد.(مهدی افشار، ص ۱۷۸)

در این مثال همانگونه که می‌بینیم مترجم دوباره با شناخت خویش از مخاطبیش و همدردی خویش با او صدای نقاره خانه و صدای اذان را جایگزین صدای موسیقی کاخ سلطنتی می‌کند. در حالیکه در زمان مهدی افشار حساسیتی بر امورات شاه وجود ندارد و این ترجمه‌ی دقیق نقض هنجر محسوب نمی‌شود. هر دو ترجمه مخاطب محور هستند.

Example 5

^{۱۳} . Munday

Her mistress had already torn her clothes, an etiquette which she had performed however with great care, considering that she wore a favorite jacket, having permitted only one or two seams of it to be ripped open.(p.161)

خانم به عنوان گریبان درین یقه‌ی لباس نوش را بشکافت و به اسم گیسو برد، سر زلف را بزد. به نام خاک، کاه به سر پاشید.(میرزا حبیب ص ۱۲۰).

خانم سرانجام جامه قبا کرده بود و این رسمی است که او با دقت مقدمات آن را فراهم آورده بود، بدین معنا که پیراهن مورد علاقه خود را پوشیده و از قبل یکی دو درز آن را شل کرده بود.(مهدی افشار ص ۱۷۹) خودانگاره‌ی مترجم در مثال اول ایجاب کرده است که آداب و رسوم عصر خویش برای عزاداری به داستان اضافه نماید تا مخاطب را با متن پیوند بزند. در ترجمه‌ی دوم مترجم نیازی نمی‌بیند که اضافه بر داستان چیزی عنوان کند. همانطور که نقوبرت^{۱۴} و شرو^{۱۵} خاطر نشان کرده اند "فرایند ترجمه با متن و موقعیت هر دو تعیین می‌شود. ترجمه تعامل توانش مترجم، موقعیت، متن^{۱۶} و هنر^{۱۷} نمی‌باشد".(نقوبرت و شرو، ۱۹۹۲، ص ۵)

Example 6 ۹۲ شهریور ۱۳۱۵

In a corner were seen several bottles of shiraz wine, one of which , just stopped with a flower.(p. 162)

در یک گوشه، شیشه‌ای چند شراب حاضر که یکی سرش گشوده و گلی تازه بر درش نهاده... (میرزا حبیب ص ۱۲۱)

در گوشه‌ای از اتاق چندین بطری خلو شیراز دیده امی شود که یکی از آنها سرش را گشوده و گلی تازه بر درش نهاده. (مهدی افشار ص ۱۸۲)

Example 7

Our doctor who calls himself a staunch Musslmans, I see makes up for his large potations of cold water and sherbet abroad, by his good stock of wine at home. (P.162)

حکیم که در ظاهر تقدسی به خرج امی دهد، به جای آن آبهای ناب که در خارج می‌نوشد، در داخل شراب خلر شیراز به کار می‌برد.(میرزا حبیب ص ۱۲۱)

حکیم باشی که تا این حد ظاهر به تقدس می‌کند و در روزهای عاشورا آب خنک و شربت نذر می‌کند، در اندرون چه‌ها که ندارد.(مهدی افشار ص ۱۸۲)

در مثال اول ایدئولوژی مترجم عصر حاضر و برجسته در ترجمه‌ی اول حذفی صورت نگرفته است در حالیکه در ترجمه‌ی دوم مترجم از طرفی مطابق عقاید خود و آنچه شرع و عرف او را منع می‌کند "چه‌ها" را بجای "شراب" می‌نشاند و در عوض بر اساس دین و آیین خود اینگونه ترجمه می‌کند: "در روزهای عاشورا آب خنک و شربت نذر می‌کند".

Example 8

^{۱۴}. Neubert

^{۱۵}. Shreve

I, in the meanwhile, prostrated myself to the ground before the king, who still surveying me with a kind aspect. (p. 182)

در این حیص و بیص من در برابر شاه که همچنان با مهربانی به من نگاه می کند کرنش کردم.(افشار. ص.

.۲۳۰

در اینجا معشوقه‌ی حاجی بابا برای او داستان ملاقات خویش با شاه را بیان می کند که احتمال می رود میرزا حبیب با تکیه بر ایدئولوژی و هنجرهای جامعه و نیز شخص مخاطب خود این جمله را حذف نموده است.

Example 9

I declared, with emphasis, that he had been struck by fate and that life and death were now wrestling with each other who should have him. (p. 184)

با طمأنیه‌ی تمام گفتمن که: به این جوان نظر خورده است و حیات و ممات در سر او به جنگ اند تا کدام

غالب آید.(میرزا حبیب.ص. ۱۴۵)

وقتی به چهره‌ی مردمی که دورم جمع به نگاه کردم گفتم میان مرگ و زندگی دست و پا میزند تا کدام یک چیره شود.(افشار.ص. ۲۳۶)

خرافه و خرافه پرستی در دوره قاجار، برخلاف ادوار گذشته که از علومی جون نجوم، طالع بینی و اخترشناسی نشأت گرفته بود، با بهره جمیتن از برخی اصول و مبانی دینی و اسلامی راه نفوذ به مذهب و اذهان ایرانیان مسلمان یافته بود. انسان قرون وسطی شیوه‌ی اندیشه‌ی اسطوره‌ای داشت. هر فرد یا گروهی از مردم بر اساس چنین اندیشه‌ها و باورهای جهان خود و طریقه‌ی رفتاری خود را در زندگی بر می گزیند. خواه چنین باورهایی خوداگاه با تاخود آگاه باشند و خواه به مبنی نسبت داده سوند یا به آسمان. وقتی به دلایل مدرنیسم می رسیم انسان دیگر می اندیشد و به اراده و خواست اگاهانه خود اسطوره‌های زمانه‌ی خود را بر می گزیند و اسطوره را زندگی می کند به عبارت دیگر ترقی علم، افکار و زمان به از بین رفتن عقاید کمک می کند(مدرسی، ۱۳۸۷) که در دو ترجمه‌ی این جمله این مسئله مشهود است.

Example 10

I swore so frequently by the holy cross, and by st.Groegorio that it should remain a profound secret in my heart as long as I had one to keep it in... (p. 203)

استوار داشتم که این راز در میان من واو ماند و کسی دیگر نداند.(میرزا حبیب ص. ۱۷۱)
من مکرر در مکرر به صلیب مقدس و گریگوری قدیس قسم یاد کردم که این یک راز نزد من و در قلب من خواهد ماند تا ابد... (افشار.ص. ۲۸۱)

در دوران حکومت قاجار، پس از ورود نخستین هیئت رسمی میسیونر های آمریکایی تاچند دهه بعد، آنان در حوزه های اقامت خود در گرایش ایرانیان به آیین مسیح تلاش های فراوانی کردند. از آنجا که اقدامات هیئت های مذهبی آمریکایی در سرزمین مسلمانان، خدشه بر دین و دولت وارد می کرد، میسیونرها تحت پوشش خدمات

اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی آیین مسیحیت را تبلیغ می‌کردند اما علی رغم کوشش فراوان شان ، موقفیت چندانی درگیرایش مسلمانان ایرانی به آیین مسیح کسب نکردند . آمریکایی‌ها به تناوب سعی می‌کردند با انتشار پیام‌هایی، توده‌های مسلمانان شیعه را به دین مسیح دعوت کنند، اما این دعوت‌ها از سوی شیعیان به سرعت رد می‌شد. ومطمئن‌نیاً پیشرفت زیادی در برآنداختن آیین اسلام دستگیر میسیونرها نشد (احیائی، ۱۳۸۲). میرزا حبیب با داشتن همین ایدئولوژی همه‌ی موارد مربوط به مسیحیت را حذف نموده است.

نتیجه گیری

هر جامعه‌ی زبانی در هر دوره از زمان بر اساس شرایط زمانی و موقعیتی به یک گونه با یکدیگر تعامل می‌کنند. ترجمه به عنوان گونه‌ای از کاربرد زبان برای برقراری ارتباط با مخاطب علاوه بر وسائل زبانی باید به نیازهای فرهنگی اجتماعی تمسک جوید تا به این مقصود دست یابد. اما آنکه در این مسیر آغازگر ماجراست، مترجم است. مترجم به عنوان یک انسان حاضر در اجتماع خلق و خواهایی کسب می‌کند که به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه آنها را در امر ترجمه دخیل می‌سازد و همین خلق و خواهast که رفتار او را سمت و سو می‌بخشد. از طرف دیگر مترجم به عنوان یک موجود مختار می‌تواند ایدئولوژی خود را در کلام خود نمایان کند و به صورت آگاهانه راهبرد خود در ترجمه را انتخاب کند. این انتخاب بازتاب اجتماعی شدن مترجم است بنابراین هر ترجمه را باید مطابق شرایط جامعه و فرهنگ مقصد ارزیابی نمود . در این مقاله با ارائه‌ی چندین مثال تاثیر این شرایط بر خودانگاره‌ی مترجم و در نتیجه نوع ترجمه‌ی بررسی گردید.

منابع

- احمدزاده، محمد امیر (۱۳۹۰). "وضعیت ترجمه، کنشگران و ابعاد آن در دوره‌ی قاجار"، *فصلنامه تاریخ ایران*، سال چهارم، شماره ۱-۲۶، صص ۴۸-۱.
- احیائی، زینب (۱۳۸۲)، *مستشاران آمریکایی در ایران* ، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ویرایش و تلخیص: آکاپیران.
- اصفهانی میرزا حبیب (۱۲۵۱)، *سرگذشت حاجی بابا اصفهانی*، تهران: نشر مرکز.
- افشار، مهدی (۱۳۷۶)، *حاجی بابای اصفهانی*، تهران: انتشارات علمی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Chesterman, Andrew. 2006. "Questions in the sociology of translation". J. F. Duarte, A. Assis Rosa and T. Seruya (eds.) *Translation Studies at the Interface of Disciplines*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamins.
- Douglas, Mary. 1987. *How Institutions Think*. London: Routledge
- Hatim, B. Mason, I. (1977), *The Translator as Communicator*, London and New York: Routledge
- Hermans, T (1996). "Norms and the determination of translation: a theoretical framework", In Alvarez, R., Vidal, M. (Eds.), *Translation, Power, Subversion* (pp: 25-51), Clevedon, England: Multilingual Matters.

- Morier, J. K. (1937). *The Adventures of Hajji Baba Ispahan*, New York: Random House, Inc.
- Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*, London and New York: Routledge.
- Neubert, A and Shreve, G. (eds.) (1992). *Translation as text*, Kent and London: Kent State University Press
- Nida, E. A. (1964). *Toward a science of translating*, Leiden: Brill.
- _____. (1993). *Language, Culture and Translating*, Shanghai: Forehgl Language Education Press.
- Pym, A. Schlesinger, M. Simeoni, D (eds.) (2008). *Beyond Descriptive Translation Studies: (Investigations in Homage to Gideon Toury)*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Sela Sheffy, R. (2005). *How to be a Translator; Rethinking Habitus, Norms, and the Field of Translation*. London: LIT
- Schaffner, Ch. (1999). *Norms and Translation*, London: Multilingual Matters.
- Toury, G. (1955) *Descriptive Translation Studies and Beyond*, Amsterdam: Benjamins.
- Venuti, L (ed.) (2000). *The Translation Studies Reader*, London and New York: Routledge.
- Wiegand, H. R. (ed.) (2004). *Sociolinguistics: An International Handbook of the Science of Language and Society*, New York: Berlin
- Wilss, W (ed.) (1996). *Knowledge and Skills in Translations Behavior*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Wolf, Michaela. Fukari, A (eds.) (2007). *Constructing a Sociology of Translation*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.